

بعد از طواف شصت آن مقام در رکعت سنت طواف بخواند پس بعد از آن
این دو رکعت دعا حضرت آدم صلی الله علیه و آله را بخواند
بخواند اللهم انک تعلم سرّی و علم منّی فأقبل معذرتی و علم حاجتی
فأعطف سؤلای و تعلم ما فی نفسی فأغفر لذنوبی اللهم انک
أما نادیا یأبى عن قلبی و یقیناً صادقا صبی اعلم انک یقضی الای
ما کنت فی ورضی عما کنت لی و هم دعوات که موضوع است وسیع است
و قوت است که رکن اعظم حج است و صیغ حج برای آنست که هر جزوی از آن
موضوع مکان آن و قوت است دعا درین موضع در رکعت بعد از زوال
تا دم صبح دعا که در هر حج است یا زدم خرد نیست در آن موضوع است که
اجتماع حضرت آدم و حوا در آن موضوع است و لهذا آن موضع جامع است
می نامند و دعا درین موضع در شب عید است تا قبل طلوع آفتاب و در زدم
در عمارت تا در آن مشاخصه در آثار عبادت و خصوصاً در مسجد حقیق
سیرت و هم چهاردهم یا زدم نزد جرات ثلث در اوقات مورد فری است
اولی و دومی و قضوی که هر یک مانند شماره ایت منی از خشته های کعبه و بطور
و مرتفع است و جره قضوی جانب یک است یعنی مواضع که در بیان جرات است
چون سنگ ریزه های که جانان بران جرات ثلث میزند و در آن جرات
آن سنگ ریزه است پس برای او ملائت آن هر سه را جرات می نامند
قول قلدت دون لم یجبت الی صیغ حج مضارع مجهول است از اجابت
مصنّف رحمة الرحی فرماید که گفته ام من در اجابت کرده ام و دعا را زدم
روضه مقدمه هر چند اصلا در علم رسلم که از آنکه مواضع شریفه و بیاع میز که اثر است

اداره

و در یک است ملک گفته اند مواضع که در آن است اعظم آن حضرت در اعظم است
از عرش و بیشک بنویسد از آنکه سلام و در روز اساعت دعا برای آنکه
ساعت است اللهم صل و سلم علی من در کلام موضع اجابت دعاست از مقام
برای تجب است از عدم اجابت دعا و در آن روضه منوره پس موضع است از آن
مصنّف رحمة الله علیه که در کلام دعا که کلام و بیاع منی شخص بصری در موضع
شریفه ملک معظم بود که هر روضه منوره بنویسد در روضه مقدمه است با آنکه
ملک معظم نیز مواضع است دیگر که اجابت دعا در آنجا حیرت مانند سجا
در کتب نماز و مولد آن حضرت و خانه حضرت خدیجه و در آنجا در آنجا
که از آنکه بگویم که حسن بصری رحمة الله علیه در آنجا است دعا در آنجا باز در موضع
معمود کرده است ملک بلای ترغیب حیا در آن و معانی که معظم موضع مواضع
مکرمه که دعای در آن سجا است ذکر کرده است تا سکان که معظم دعا را
در آن مواضع با سید علیه اجابت غنیمت شمارند و قوراعا انا قدر و سجا
کلمه عا یعنی مع و صیغه تروینا ماضی مجهول است از روایت با زتر و است که
یعنی بر روایت است سخن است که یعنی شایع نقل کرده اند و در آنجا
بر ما در اجابت دعا پس روینا از باب حذف و اتصال است ای زدوا
خلقیا اولی در موضع دوم که مترجم است حدیثی را که مسلسل است از طریق
الاکل که در او مان این حدیث لیکن آنجا که شایع بر روایت همین است
مسلسل در اجابت دعا در مترجم را داشته اند و می نورد اینها را تا ما
روایت برین حدیث مسلسل که ما شایع فیه بر حال الا شایع در حدیث روایت
عنا حایره و روضه ظاهر است که مقصود مصنف مع از آن علاوه نماید قول

Copyrighted by University